

That's my son's friend.	اون رفیق پسرمه
They're in the kitchen.	تو آشپزخونن
Here's a plate.	بفرما یه بشقاب
We can drink something first.	میتونیم اول یه چیزی بنوشیم
I usually eat late.	من معمولاً دیر غذا میخورم
We don't eat until nine.	ما تا نه غذا نمیخوریم
We can go by bus.	میتونیم با اتوبوس بریم

---

I'm going to the mall.	دارم میرم پاساژ
There's a good coffee shop on Main Street.	یه کافی شاپ خوب تو خیابون مین هست
I sometimes go there.	بعضی وقتا میرم اونجا

Would you like to go there?	دلت میخواد بری اونجا؟
I can't now.	الان نمیتونم
I'm busy.	سرم شلوغه
That's too bad.	چه بد

My parents are coming to visit.	والدینم دارن میان واسه دیدار
When are they coming?	کی دارن میان؟
In a few days	ظرف یه چند روز

Where are your parents from?	والدینت اهل کجان؟
They're both from Iran.	هر دو اهل ایرانن

I haven't seen them for a few years.	من چند ساله اونا رو ندیدم
Where are they going to stay?	اونا خیال دارن کجا بمونن؟
At my place	تو خونه من

Can I go to the mall with you?	میتونم باهات برم پاساژ؟
All right, but I don't have a car.	باشه ولی ماشین ندارم
I always walk to the mall.	من همیشه پیاده میرم پاساژ

Who's that?	اون کیه؟
That's my son's friend.	اون رفیق پسرمه

I don't think you know him.	فکر نمیکنم بشناسیش
He's my son's friend.	دوست پسرمه

That's my son's book.	اون کتاب پسرمه
-----------------------	----------------

What's his friend's name?	اسم دوستش چیه؟
I don't know.	نمیدونم

## مکالمه

سلام سوزان. اوضاع چطوریه؟

A: Hi, Susan. How's it going?

بد نیستم جیف. تو چطور؟

B: Not bad, Jeff. And you?

خوب. میخوام برم کافی شاپ. دوست داری باهام بیای؟

A: Just fine. I want to go to a coffee shop. Would you like to go with me?

کدوم کافی شاپ؟

B: Which coffee shop?

کافی شاپ تو خیابون باندی.

A: The coffee shop on Bundy Street.

چای میخوری یا قهوه؟

B: Do you drink tea or coffee?

هر دو رو میخورم.

A: I drink both.

من خیلی مشغولم. تو ماشین داری؟

B: I'm very busy. Do you have a car?

آره، اما من معمولاً پیاده میرم اونجا. میتونیم با همدیگه پیاده بریم اگه بخوای.

A: Yes, but I always walk there. We can walk together if you want.

متاسفم، ولی متأسفانه من نمیتونم باهات بیام. من یه عالمه کار دارم که انجام بدم.

B: I'm sorry, but unfortunately I can't come with you. I have a lot work to do.

چه بد.

A: That's too bad.

شاید بعداً بتونیم خونه من کمی قهوه صرف کنیم.

B: Maybe we can have some coffee at my place later?

اوکی. بعداً میبینمت.

A: Okay. See you later.

Who's that? That's my son's friend.	اون کیه؟ اون دوست پسرمه
What's his name? My son's name?	اسمش چیه؟ اسم پسرمه؟
No, his friend's name?	نه ، اسم دوستش
What's his friend's name?	اسم دوستش چیه؟
Why do you want to know? You don't know him anyway.	چرا میخوای بدونی؟ به هر حال نمیشناسیش
I'd like a glass of water, please.	یه لیوان آب میل دارم لطفاً
Ask where the glasses are? Where are the glasses? They're in the kitchen.	لیوان ها کجان؟ تو آشپزخونن
Where's the kitchen? Go straight ahead. It's on your right.	آشپزخونه کجاست؟ مستقیم برو . سمت راسته.
Do you have any food in your house? Of course It's in the kitchen.	غذا داری تو خونت؟ البته تو آشپزخونه است.
Here's a plate. Is this the kitchen?	بفرما یه بشقاب آیا این آشپزخونست؟
Of course this is the kitchen. Where are the plates? They're over there.	البته که این آشپزخونه است. بشقاب ها کجان؟ اونها اونجان
Who's that? That's my daughter's friend.	اون کیه؟ اون دوست دخترمه
Do you know her? No, I don't.	آیا میشناسیش؟ جواب منفی کوتاه
Her name is Sarah. Your daughter's name? No, her friend's name.	اسمش ساراست اسم دخترت؟ نه ، اسم دوستش
Where are they now? They're both in the kitchen.	الان کجان؟ هر دوتاشون تو آشپزخونن

I don't think I have enough plates.	فکر نمیکنم به اندازه کافی بشقاب داشته باشم
We can drink something first.	میتونیم اول یه چیزی بنوشیم
Would you like to go to a coffee shop?	دلت میخواد بری یه کافی شاپ؟
Not now, maybe later	الان نه ، شاید بعداً
Do you want to eat something first?	میخوای اول یه چیزی بخوری؟
No, I want to go to a coffee shop first.	نه ، میخوام اول برم یه کافی شاپ
Where's your plate?	بشقابت کو؟
It's in the kitchen.	تو آشپزخونست
I don't want to eat now.	الان نمیخوام غذا بخورم
I usually eat late.	من معمولاً دیر غذا میخورم
Where are the plates?	بشقاب ها کجان؟
The plates are usually in the kitchen.	بشقاب ها معمولاً تو آشپزخونن
Where do you want to eat?	کجا میخوای غذا بخوری؟
We usually eat in the kitchen.	ما معمولاً تو آشپزخونه غذا میخوریم
We always eat late.	ما همیشه دیر غذا میخوریم
Then we can go to a coffee shop first.	پس میتونیم اول بریم یه کافی شاپ
What time do you usually have dinner?	معمولاً ساعت چند شام صرف میکنید؟
We don't eat until nine.	ما تا نه غذا نمیخوریم
Can you wait?	میتونی صبر کنی؟
Until I come.	تا من بیام؟
Can you wait until I come?	آیا متونی صبر کنی تا من بیام؟
Sure	حتماً
Can you give me some water, please?	میتونی یه کم آب بهم بدی لطفاً؟
Where's your glass?	لیوانت کو؟
It's in the kitchen.	تو آشپزخونست
And your plate? Where's your plate?	بشقابت چطور؟ بشقابت کجاست؟
That's in the kitchen, too.	اونم تو آشپزخونست
I want to drink some water first.	اول میخوام یه کم آب بخورم
Wait until we eat first.	صبر کن تا اول غذا بخوریم
I usually eat first.	من معمولاً اول غذا میخورم
Then I drink some water.	بعد یه کم آب میخورم

Where's your daughter? She's with her friend.	دخترت کجاست؟ اون با دوستشه
What's her friend's name? I don't know but I can ask her.	اسم دوستش چیه؟ نمیدونم ، ولی میتونم ازش بپرسم
Her name is Leila. She's from Canada.	اسمش لیلاست اهل کاناداست
Her husband's name is Reza. They both live in Iran.	اسم شوهرش رضاست هر دوتاشون تو ایران زندگی میکنن
They're visiting us now. I think I know her.	فکر میکنم میشناسمش
Do they have any children? Yes, they have two children.	آیا بچه دارن؟ بله ، دوتا بچه دارن
We usually speak Persian together. I sometimes go to Canada.	ما معمولاً با هم فارسی صحبت میکنیم بعضی وقتا من میرم کانادا
Because my cousins live there. I'm going to see them in a few days. Can you wait?	چون دختر عموهام اونجا زندگی میکنن خیال دارم ظرف چند روز ببینمشون آیا میتونی صبر کنی؟
When? Until when?	کی؟ تا کی؟
Can you wait until I come?	آیا میتونی صبر کنی تا من بیام؟
We can go to a coffee shop later. We can have some tea. We can have some tea at my place, too.	میتونیم بعداً بریم یه کافی شاپ میتونیم یه کم چای صرف کنیم میتونیم تو خونه من هم چای صرف کنیم
I can't. I'm very busy. And I don't want to walk there.	نمیتونم ، من سرم خیلی شلوغه و نمیخوام پیاده برم اونجا
We can go by bus. Or we can go by car.	میتونیم با اتوبوس بریم یا میتونیم با ماشین بریم
The bus is not expensive. The bus isn't expensive. And it's very fast.	اتوبوس گرون نیست و خیلی سریع
Would you like to go by bus? We can walk to the coffee shop. But I want to go to the mall first.	دلت میخواد با اتوبوس بری؟ میتونیم راه بریم تا کافی شاپ ( پیاده بریم ) ولی اول میخوام برم پاساژ

I still have to buy a few things.  
For my kitchen

باید هنوزم یه چند تا چیز بخرم  
واسه آشپزخونم

I need more plates.

بشقاب های بیشتری لازم دارم

Would you like to go to the mall with me?

دلت میخواد باهام بری پاساژ؟

I haven't been to the mall for a year.

من یه ساله پاساژ نیوادم

I haven't been there for a year.

I haven't been to the mall for a year.

Is the mall still open?

آیا پاساژ هنوزم بازه؟

Of course it's open.

معلومه که بازه

They're sometimes open until eleven o'clock.

بعضی وقتا تا ساعت یازده بازن

Kitchen

Plate

First

Sir

First

Usually

Until

By

By bus

We can go by bus.

## توجه" ( S' مالکیت )

۱. هر گاه بخواهیم جسمی یا شیء را به انسانی تعلق و مالکیت دهیم، ابتدا يك " آپستروف S یا (S' ) " به آخر اسم انسان اضافه می کنیم ، سپس نام شیء مورد نظر را به دنبال آن می آوریم .

مثال:

Sara's book کتاب سارا  
Teacher's pen خودکار معلم

۲. (S') یا آپستروف S ، مالکیت مخصوص تعلق جسم یا شیء به انسان است و برای تعلق دادن شیء به شیء دیگر هرگز به کار نمی رود.

۳. اگر اسمی که می خواهیم شیء را به آن نسبت دهیم به حرف S ختم شود و یا S جمع به دنبال داشته باشد کافی است فقط علامت آپستروف را سمت راست آن S که در آخر اسم وجود دارد بیاوریم .

مثل :

Student's books کتاب های دانش آموزان  
Girl's dresses لباس های دختران